

پرده نقره‌ای

درخشش قهرمان فرهادی در کن

در پایان اولین نمایش فیلم قهرمان اصغر فرهادی در جشنواره کن، تماشاگران حاضر در سالن بیش از ۵ دقیقه آن را تشویق کردند.

به گزارش برترین‌ها، در فیلم «قهرمان» امیر جدیدی، محسن تنابنده، فرشته صدر عرفایی، سحر گلدوست، احسان گودرزی، مریم شاه‌داعی، علیرضا جهاندیده، صالح کریمی، فرخ نوربخت، محمد عاقبتی و سارینا فرهادی به همراه جمعی دیگر از بازیگران که اغلب چهره‌های جدید هستند، مقابل دوربین رفته‌اند.

اولین واکنش منتقدان به فیلم اصغر فرهادی

فیلم «قهرمان» ساخته اصغر فرهادی پس از رونمایی در جشنواره کن با بازخورد مثبت منتقدان رو به رو شد و برخی آن را بهترین فیلم این کارگردان از زمان ساخت «جدایی» توصیف کردند. «ویدار لیش» از مجله «پندی وایر» در بخشی از نقدش درباره فیلم «قهرمان» نوشته: «این فیلم به اندازه «جدایی» غیر قابل پیش‌بینی و غم‌انگیز است. ملودرام اجتماعی فرهادی؛ با پیش‌بینی‌های سرراستی آغاز می‌شود که لایه به لایه با پیشروی داستان رو می‌شوند، در حالی که بحران اخلاقی اصلی در عمق داستان آشکار می‌شود. فرهادی ساده‌ترین فیلم خود را پس از آغاز موفقیت بین‌المللی‌اش در حدود یک دهه پیش ساخته است، اما در عین حال می‌توان آن را چندوجهی‌ترین و همچنین بهترین فیلم او از زمان جدایی دانست.»



«لی مارشال» منتقد نشریه اسکریین نیز در یادداشتی درباره نماینده سینمای ایران در بخش رقابتی کن آورده است: «در عصر رسانه‌های اجتماعی، قهرمان واقعی بودن چگونه است؟ اگر می‌دانید کار درست را انجام داده‌اید آیا می‌توان حقیقت را پیچاند و با نقش بازی کردن دیگران را متقاعد کرد که شما یک نابغه هستید؟ اگر دفاع از حیثیت آنان به معنای بی‌آبرو کردن دیگری باشد، چه می‌کنید؟ اصغر فرهادی کارگردانی ایرانی در درام جدیدش این موضوعات و دیگر پرسش‌های اخلاقی را گنجانده است، درامی به واقع‌قدرتمند که با بازی چشمگیر و مرکزی امیر جدیدی در نقش اصلی (رحیم) همراه شده است.»

«قهرمان» بار دیگر ثابت کرد که گرچه فرهادی یک نویسنده و کارگردانی مستعد برای ملودرام‌های پیچیده درباره مسائل اخلاقی و احساسی است، آثاری که او در ایران می‌سازد همیشه غنی تر هستند.

فیلم قبلی فرهادی در کن با عنوان «همه می‌دانند»، علی‌رغم ستاره‌های بازیگر که در اسپانیا ساخته شده به ندرت دارای ظرافت‌های دراماتیک هوشمندی اخلاقی است که در فیلم «در باره‌ی»، «جدایی» و «فروشنده» می‌بینیم. می‌توان همه داستان‌های فرهادی را برداشت و آنها را تقریباً در همه جای دیگر جهان بازاری کرد و این موضوع بویژه درباره فیلم «قهرمان» صدق می‌کند و داستان آن را می‌توان در جایی دیگر مثل آمریکا نیز دوباره ساخت.

اما فیلم‌ها تنها داستان نیستند و «قهرمان» بخش قابل توجهی از قدرت خود را از شیراز و جامعه ایرانی دریافت می‌کند. فیلم «قهرمان» با مدت زمان دو ساعت و ۷ دقیقه، درباره شخصیتی به نام رحیم است که به دلیل عدم توانایی در پرداخت بدهی‌اش در زندان به سر می‌برد اما طی دو روز مرخصی در تلاش است، شاکي خود را با پرداخت بخشی از بدهی متقاعد به پس گرفتن شکایت خود کند، اما اتفاقات آنگونه که برنامه‌ریزی شده پیش نمی‌رود.

بر است از خط‌کشی‌هایی مبنی بر تفاوت زبان معیار و گویش‌ها و لهجه‌ها. مترجم با ارائه نمونه‌های اصلی آنها، به زبان انگلیسی، تلاش می‌کند مخاطب ایرانی را از تفاوت‌ها آگاه سازد. ترجمه در اینجا ساخت و تحسین بر انگیز می‌شود. ابوذر جمهری حتی معادل‌های جذابی برای واژگان گزینش می‌کند و از ترجمه سرسری طفره می‌رود. تلاش مترجم برای حفظ ماهیت زبانی کتاب، پایبندی او به مقصود کتاب است. در نتیجه خواننده کتاب با کمک تشریحات و توصیفات و البته همراهی کردن تمرینات، به درکی تازه از زبان در درام می‌رسد. شاید حتی به درک متفاوتی از مقوله درام، همان‌طور که نویسنده در مقدمه کتاب نیز درباره درام و چیستی آن تصویر تازه‌ای ارائه داده است. اینکه درام واژه‌های محدود به جهان نمایش نیست و در قالب زبانی، خود می‌تواند در حوزه‌های دیگری چون سیاست و ورزش معنای دیگری متبادر کند.

«زبان درام» کتابی است هم برای نویسنده تا در حین نوشتن در یاد زبان - آن مبهم همیشگی - کجا و چگونه به کارش می‌آید، هم برای کارگردان تا در یاد نویسنده غیر قابل دسترس در مخیله‌اش چگونه واژگان را چیده و از کوا بیاورد و چگونه الحان را آراسته کند و هم برای بازیگری که باید واژه جوهری را به انرژی صوتی قابل شنیدن بدل کند هر چند متن به طراحان صحنه و موسیقی و لباس هم کمک می‌کند؛ اما اندک، خواندن کتاب سانگر حتی این حسرت را بر دل خواننده می‌گذارد که در تمام ۹۶ صفحه آموزش تئاتر در ایران، چگونه «زبان درام» بخشی از سنت آموزش نبوده است. در میان خیل عظیمی از کلاس‌های آموزشی گران‌قیمت تئاتر در ایران، شاید تک‌ستاره‌های کم‌فروغ خودش را در پوشش زبان درام معرفی کرده‌سازد، پس گویی با وجود چاپ کتاب هنوز عقبه‌ای غیر مسلح داریم.

چیزی جز همین چند خط متعاقب نام اثر، چیزی نصیبش نمی‌شود. با این حال جایی نویسنده درباره «دستورالعمل‌های صحنه» نوشته است، انتظار می‌رود این بخش از متن توسط خواننده تخیل و تصور شود. پس در مسیر خیال و تصویر، سانگر به ما نشان می‌دهد چگونه می‌توان زبان محصور در میان واژگان را بدل به تصویر کنیم. بخش جذاب کتاب همین است. اینکه برخلاف عمده آثار تئوری که پایبند به نمایشنامه، «زبان درام» تلاش می‌کند پل ارتباطی میان متن و اجرا باشد. به نوعی کتاب شیوه‌ای برای درام‌تورزی پیش‌روی مخاطب می‌گذارد.

بیا بید به بیضایی بازگردیم. متن بیضایی و زبان خاصه او روبروی ماست؛ اما قرار است این متن توسط کسی جز بهرام بیضایی کارگردانی شود. بازیگری که او انتخاب نکرده، قرار است ایفاگر نقش نخست متن باشد. گروه تولید چیزی درباره چشم‌اندازهای بیضایی نسبت به نقش نمی‌دانند. بازیگر عامل کلامی متن خواهد بود و او است که متن را ادا می‌کند. سانگر در این لحظه مفهوم زبان را در گون می‌کند و نشان می‌دهد زبان نوشتار نویسنده و زبان گفتار بازیگر دو دنیای متفاوت است. در اینجا پای زبان شناسی به میان می‌آید و نویسنده نشان می‌دهد چگونه گویش فردی (idiolect) بر فهم ما از اثر می‌گذرد.

سانگر کتاب دیگری هم با عنوان «زبان داستان» دارد؛ اما در کتاب «زبان درام» هم تلاش می‌کند به مقوله داستان گویی در درام و رابطه‌اش به زبان بپردازد؛ او به ساده‌ترین شکل توضیح می‌دهد و با ارائه نمونه‌ای بر فهم مخاطب کتابش اثر می‌گذارد. با این حال کتاب سانگر کتاب ساده‌ای نیست. وجه مشخص آن نیز به دانستن زبان انگلیسی است. هر چند مینو ابوذر جمهری در مقام مترجم تلاش کرده است فرآیندی برای ادراک مفاهیم فراهم کند؛ اما کتاب

قافیه را به چند ناشر جوان تر می‌بازد تا آنکه تغییرات اساسی در فرآیند چاپ این نشر ظهور می‌کند. نخست ایجاد یک یونیفورم تازه برای کتاب‌های تئاتری و چاپ آثار قدیمی با طراحی تازه و دوم انتشار چند کتاب تازه. اگر چه بیشتر از همه در این مدت، کتاب‌های تازه حوزه طراحی صحنه نشر قطره مورد توجه قرار گرفته است؛ اما کتابی متفاوت از زیر دست ناقدان عبور کرده است: زبان درام به قلم کیت سانگر و ترجمه مینو ابوذر جمهری.

خانم سانگر استاد درام و زبان انگلیسی در نیو کالج در اثر پیش‌رویه سراغ مفهوم زبان و رابطه آن با درام رفته است. چیزی بدیهی؛ اما تعریف نشده حداقل در سنت آموزش تئاتر ایران. کافی است به سراغ پژوهش‌ها و یادداشت‌های تئاتری برویم تا با انبوهی از استفاده‌های گنگ از واژه «زبان» مواجه شویم. برای مثال وقتی از عبارت «زبان بیضایی» استفاده می‌شود، دقیقاً مشخص نیست این زبان به چه وجهی از امر زبانی درام بیضایی اشاره دارد. کتاب خانم سانگر قرار است به واکاوی این ابهام بپردازد.

کتاب برای ادراک مناسب ابتدایه سراغ برخی تعاریفی می‌رود، تعاریفی که از دل متن نمایشی بیرون می‌آید. قرار است از دل متن به مفهوم زبان دست بیاوریم. پس سانگر مدام مثال می‌آورد و در میانه راه تمرینی دست و پامی‌کند. مخاطب کتاب یادگیری چند مفهوم، حالا باید دست به یک چالش اساسی بزند. در این نقطه قوت اساسی، نقطه ضعف خواننده ایرانی عیان می‌شود؛ سانگر برای مثال هایش به سراغ متون تازه رفته است. توجه داشته باشیم که کتاب خانم سانگر در سال ۲۰۱۷ منتشر شده است و بخش مهمی از اطلاعات موجود در کتاب به حوالی همین روزهای ما بازمی‌گردد. برای مثال وقتی او از نمایشنامه «یک نوک زبان عمل» شیلا دلانی سخن می‌گوید، مخاطب ایرانی

زبان درام
کیت سانگر
مینو ابوذر جمهری

تئوری تئاتر بود. آثار مهمی چون «تئاتر و همزادها» و «تئاتر پست‌دراماتیک» در چپه‌هایی بودن برای شناخت بهتر از تئاتر غربی. با این حال با مرور زمان ناشر ترغیب به تجدید چاپ این کتاب‌ها نمی‌شود یا در شیوه چاپ میلی به همسانی ناشران جدید نمی‌بیند. چند سال گذشته بی‌شک نشر قطره

جهان به زبان فارسی، نیاز به بازنگری در کتاب‌های موجود در بازار و البته به روزرسانی آثاری از این دست، فرصتی برای عرض اندام ناشران پدید آورد. همین موضوع موجب عقب‌ماندن چند ناشر خاصه تئاتر شد. برای مثال نشر قطره با حضور قطب‌الدین صادقی برای دو دهه پیش‌تاز انتشار کتاب‌های



احسان زبور عالم

در سال‌های اخیر رقابت تنگاتنگی میان ناشران حوزه هنر در انتشار کتاب‌های تئوری تئاتر پدید آمده است. با توجه به ناقص بودن سواد ما از تئاتر

تجسمی

نمایشگاه محمد علیزاده در گالری «ا» برپا شد

می‌کردم مطالعات بصری درباره آن‌ها داشتیم و به عکاسی و طراحی از آن‌ها می‌پرداختم. در عین حال یادداشت‌هایی بر می‌داشتیم و درباره انباشتگی آن‌ها مواردی را یادداشت می‌کردم.

نمایشگاه حجم و چیدمان محمد علیزاده با عنوان «زمزمه» در گالری «ا» برگزار شد. علیزاده در گفت‌وگو با هنر آنلاین درباره شکل‌گیری این مجموعه گفت: زمانی از من خواسته شده بود تعدادی ماسک برای یک تئاتر بسازم و پس از آن تعدادی از ماسک‌ها که اضافه بود در گوشه کارگاه باقی ماند. پس از گذشت مدتی شروع به بازی با آن‌ها کردم و ایده‌های مختلفی از آن‌ها به دست آوردم که در طول دو سال شکل‌های گسترده‌تری پیدا کرد و چیزهایی را به آن‌ها اضافه و یا حذف کردم.

علیزاده ادامه داد: در این نمایشگاه پرتره‌هایی که بر روی پایه قرار گرفت کارهای ابتدایی من است و چیدمان نهایی که در گوشه گالری از قرار گرفتن سره‌روی هم به وجود آمده است شامل ۱۵۰ کاری است که در دو سال اخیر انجام دادم. او درباره نحوه شکل‌گیری این چیدمان در گالری گفت: ماسک‌های قدیمی مدتی در کنار اتاق روی هم افتاده بودند و من هر بار که از کنار آن‌ها عبور



اصلی آثارش در سال‌های اخیر، اظهار کرد: من به درخت علاقه مندم. درخت نماد هماهنگی زمین است. درختان زنده و پویا هستند و درختان من حسی و حال شاعرانه و خیال‌انگیز دارند. طبیعت برای من بهانه است با این که من درخت می‌کشم اما درختان من نمود بیرونی ندارند و حاصل درک و دریافت حسی من هستند. در واقع این نمایشگاه در ستایش و تکریم درخت است. اسماعیلی ادامه داد: با این که من به شدت طبیعت‌گرا هستم اما تمایلی به تصویر کشیدن عینی پدیده‌ها ندارم و همواره در نقاشی‌هایم شاعرانگی موج می‌زند. گاهی یک کلمه، گاهی یک شعر و گاهی یک موسیقی دلنشین من را به نقاشی کشیدن وامی‌دارد.

این اتودها، کارهای بزرگتری را با تکنیک رنگ روغن و اکریلیک روی بوم انجام دادم. در مجموعه اخیرم نیز ابعاد آثارم بزرگ‌تر شده است و در این نمایشگاه ۶۰ نقاشی در ابعاد و با تکنیک‌های متنوع در معرض دید مخاطبان قرار خواهد گرفت.

۲۵ تیرماه به صورت مجازی در گالری گلستان برپا می‌شود. به گزارش هنر آنلاین، علیرضا اسماعیلی گفت: این سومین مجموعه از درخت‌هایم است که در سال‌های اخیر در گالری گلستان به نمایش درمی‌آید. البته با توجه به شرایط ویژه این روزها و شیوع بیماری کرونا، این نمایشگاه به صورت مجازی میزبان علاقمندان هنرهای تجسمی خواهد بود. او افزود: سال‌هاست که روی درخت کار می‌کنم و درخت‌ها در ابتدا با اتودهای کوچک پاستل و مداد رنگی روی مقوا آغاز شد. پس از

Galistan Gallery
Online Painting exhibition
A.R. Esmaili
۲۵ تیر - ۴ آبان ۱۴۰۰
www.galistan-gallery.com

«برهنگی خیال» عنوان نمایشگاه نقاشی علیرضا اسماعیلی است که از جمعه